

# فرهنگ

## فرهنگ روزگار از آغاز تا امروز

### روایت قد کشیدن عمار که می خواستند کوچک بماند!

فاطمه کهربائی  
دبیر گروه فرهنگی



از سال دوم جشنواره عمار تا به امروز پای ثابت آن بوده ام. دوره اول آن در سال ۱۳۸۹ برگزار شد و فراخوانش در لایه لای انبوهی از اخبار فرهنگی و هنری گم شد و کمتر کسی از آن با خبر شد یا آن را جدی گرفت. برای همین بود که کلاً ۵۰ اثر به دبیرخانه ارسال شد و از این بین، ۲۰ اثر برای اکران سراسری انتخاب شد و در ۳۰ نقطه از کشور به نمایش درآمد.

جشنواره‌ای که پسوند «مردمی» داشت و همین وجه تمایز آن با همه جشنواره‌های دیگر بود و همین پسوند باعث شد این بار مراکز اکران از سینماها به محافل مردمی منتقل شود؛ محافلی مثل مسجد، مدرسه، حسینیه و حتی خانه خانواده‌های شهدا. همین پسوند مردمی باعث شد خیلی از مدیران فرهنگی و رسانه‌ای و حتی فیلمسازان آن را جدی نگیرند.

#### از خواش و تمنا برای حضور تا...

برای دور دوم تصمیم گرفته بودم در حد توانم فیلمسازان جوان حزب‌اللهی را متقاعد کنم برای حضور در جشنواره، چه با ارسال اثر و چه با حضور برای تماشای اکران‌ها. خیلی‌هایشان رغبتی نداشتند و سطح کارشان را بالاتر از آن می‌دانستند که در

جشنواره‌ای با این مختصات حضور پیدا کنند. به گفته یکی از همین فیلمسازها، اگر نبود اصرار تهیه کننده، کارگردان تمایلی به شرکت در جشنواره نداشت. بماند که همان کارگردان در همان جشنواره دوم جایزه گرفت و از آن به بعد نه تنها در همه دوره‌ها شرکت کرد بلکه الان طوری از جشنواره هواداری می‌کند که کافی است پشت سر جشنواره و عواملش بدگویی کنی تا رگ گردنش ورم کند!

درست یادم هست حتی برای پوشش برنامه‌ها و نشست‌ها هم خبرنگاران حضور نداشتند و با کلی چانه‌زنی و اصرار به دوستان، آنها را راضی می‌کردیم که برای پوشش برنامه‌ها حاضر شوند. خیلی‌هایشان هم قبول نمی‌کردند و دست آخر می‌گفتند خودتان گزارش را تنظیم و ارسال کنید!

#### دریافت پول، شرط برنامه «هفت» برای تهیه گزارش

وحید جلیلی آن روزها خیلی تلاش می‌کرد که گزارشی هر چند کوتاه در اخبار سیما یا برنامه‌های تلویزیونی از برگزاری جشنواره منعکس شود اما تلاش‌اش بی‌ثمر بود! یکی از شب‌های جشنواره دوم بود که عوامل برنامه «هفت» برای سر و گوش آب دادن، بی‌سر و صدا آمده بودند جشنواره. جلیلی دیده بودشان و گفته بود چرا برای برنامه گزارشی تهیه نمی‌کنید؟ آنها در جواب گفته

بودند چون تبلیغ محسوب می‌شود در افزایش پول می‌گیریم!

کسی چه می‌دانست؟ شاید جلیلی در دلش به آنها پوزخندی زده بود، چرا که سال بعد ورق برگشت و اوضاع به گونه‌ای دیگر رقم خورد.

ماجرای این قرار بود که چون جشنواره مردمی بود و خیلی از افراد صاحب‌نام و حرفه‌ای آن را به رسمیت نمی‌شناختند، جوان ترها بدون مشقت رقابت با حرفه‌ای‌ها ترها توانسته بودند در جشنواره حضور پیدا کنند و جوایزی را که شاید در جشنواره‌های دیگر نصیب‌شان نمی‌شد درو کنند. شرکت در یک جشنواره بدون حضور یا تجربه‌های سینما، انگیزه فیلمسازان تازه نفس را برای حضور در دور سوم بیشتر کرد، حضوری که برای آن دیگر اصرار و چانه‌زنی در کار نبود. تبلیغات سینه به سینه بود که داشت کار را پیش می‌برد.

#### مدیران سینمایی به عمار آمدند

دور سوم جشنواره پرشورتر از سال قبل از آن برگزار شد. این بار مدیران سینمایی وقت هم در جشنواره حضور پیدا کردند و از قضا تلویزیون هم گزارش‌هایی را از جشنواره پخش کرد بدون دریافت یک ریال پول! حالا دیگر هر جوانی که دستی بر آتش فیلمسازی داشت دوست داشت برای یک بار هم که شده شانس خود را در این جشنواره امتحان کند.



#### میهمان‌هایی خاص و جوایزی خاص‌تر!



آنچه که عمار را از دیگر جشنواره‌ها متمایز می‌کرد، جدای از مسأله اکران‌های مردمی، میهمان‌های خاص جشنواره و جوایز خاص‌تری که به برگزیده‌ها اهدا می‌شد بود. میهمان‌ها را اغلب خانواده‌های شهدای دفاع مقدس یا خانواده‌های شهدای هسته‌ای و مدافعان حرم تشکیل می‌دادند که در مراسم اهدای جوایز حضور پیدا می‌کردند. در خیلی موارد هم به دست ایشان جوایز اهدا می‌شد و همین حضور خانواده‌های شهدای فضای جشنواره از دیگر جشنواره‌های سینمایی و هنری متمایز و فضایی معنوی را بر آن حاکم می‌کرد. بماند که جوایز خود جشنواره هم متفاوت بود.

آنچه که عمار را از دیگر جشنواره‌ها متمایز می‌کرد، جدای از مسأله اکران‌های مردمی، میهمان‌های خاص جشنواره و جوایز خاص‌تری که به برگزیده‌ها اهدا می‌شد بود. میهمان‌ها را اغلب خانواده‌های شهدای دفاع مقدس یا خانواده‌های شهدای هسته‌ای و مدافعان حرم تشکیل می‌دادند که در مراسم اهدای جوایز حضور پیدا می‌کردند. در خیلی موارد هم به دست ایشان جوایز اهدا می‌شد و همین حضور خانواده‌های شهدای فضای جشنواره از دیگر جشنواره‌های سینمایی و هنری متمایز و فضایی معنوی را بر آن حاکم می‌کرد. بماند که جوایز خود جشنواره هم متفاوت بود.

سال چهارم جشنواره بخش بین‌الملل به آن اضافه شد. خیلی از فیلمسازهایی که صدایشان در مملکت خودشان به جایی نمی‌رسید کارهایشان را برای این جشنواره نوپا فرستادند تا جایی که در همان سال فقط ۵۰۰ اثر در بخش بین‌الملل دریافت شد.

#### دیدار با رهبر انقلاب

اکران‌های مردمی‌روز به روز با استقبال بیشتری رو به رو و به تعداد آن اضافه می‌شد. اکران رایگان در نقاط دور افتاده تا حدی برای مردم جذابیت داشت که وقتی برای بعضی از فیلم‌های خاص بلیت اختیاری در نظر گرفته شد مردم حتی با نیت نذر فرهنگی مبالغی قابل توجه را به‌عنوان بلیت و در حقیقت به قصد حمایت از تولید آثار ارزشی می‌پرداختند، چرا که آثاری که در این جشنواره می‌دیدند به موضوعاتی می‌پرداخت که برآمده از زندگی روزمره آنها بود. مسائلی که هر روز با آن سر و کار داشتند و حالا آن را روی پرده نمایش می‌دیدند؛ بر خلاف آنچه که همیشه در قاب تلویزیون یا روی پرده سینما دیده بودند؛ یک زندگی فانتزی که هیچ نسبتی با دغدغه مردم عادی نداشت!

استقبال‌های مردمی به حدی گسترش پیدا کرد که مرزهای جغرافیایی را درنوردید و امروز در کشورهای مختلف، مراکز اکران جشنواره عمار فعال است.

تلاش اکران کننده‌های مردمی و دیدن

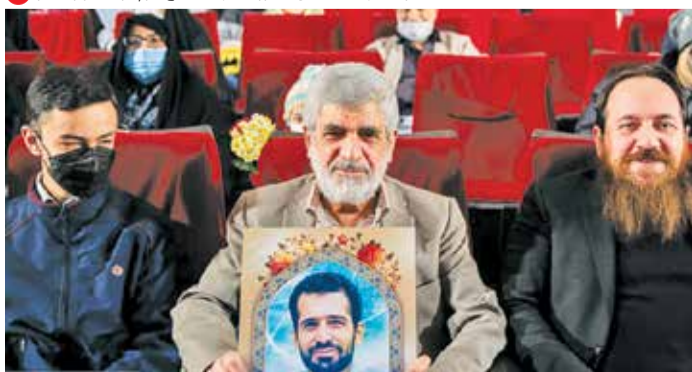
واکنش‌های مخاطبان به قدری ویژه بود که باعث شد چند نفر از اکران کننده‌ها کم‌کم وارد فضای تولید اثر شوند و به جرگه فیلمسازان جوان بپیوندند. فیلمسازانی که بعد از فتنه ۸۸ پا به عرصه تولید گذاشته بودند و جزو رویش‌های انقلاب محسوب می‌شدند و امید دل رهبر.

رهبر انقلاب بعد از دوره سوم جشنواره با برگزیدگان و دست‌اندرکاران آن دیدار داشتند. تعبیر ایشان درباره این رویش‌ها چنین بود: «جوان‌های مؤمن، باطراوت و شاداب و دارای نگاه نو و همت بلند، موتور محرک برای حرکت رو به جلو هستند.»

رهبری در این بین توصیه‌های هم‌بزرگ‌ترهای این عرصه داشتند و گفتند: «پیشگسوتان نیز باید با بیان تجربیات خود و تربیت نیروهای جدید و کارآمد، به این حرکت شتاب بیشتری ببخشند.» و اینگونه بود که به مسأله آموزش بیش از پیش پرداخته شد و دوره‌هایی برای این منظور چه در طول سال و چه در ایام جشنواره برای ارتقای سطح کیفی آموزش‌ها در خروجی آثار شرکت‌کننده در دوره‌های بعدی به وضوح مشهود بود، آن قدر که رقابت را سخت‌تر از قبل می‌کرد تا آنجا که خیلی از حرفه‌ای‌ها ترها ترغیب شدند در جشنواره حضور پیدا کنند و اینگونه بود که هر سال که می‌گذشت کیفیت آثار بهتر از قبل می‌شد و تعداد شرکت‌کنندگان صاحب نام بیشتر و رقابت هم سخت‌تر.



خانواده شهید مصطفی صدرزاده شهید مدافع حرم در جشنواره عمار



پدر شهید مصطفی احمدی روشن (شهید هسته‌ای) در جشنواره عمار



#### رویش‌هایی که به بار نشستند

هر چند خیلی‌ها دوست نداشتند عمار سری در میان سرها بلند کند اما حالا نه تنها عمار جایگاه خود را پیدا کرده است بلکه تعداد قابل توجهی از همان فیلمسازان جوانی که در دوره‌های اول، جزو رویش‌های این عرصه محسوب می‌شدند بعد از یک دهه، الان یا پا به عرصه تولیدات حرفه‌ای و بلند گذاشته و در طول سال فیلم‌هایشان روی پرده سینما دیده می‌شود یا به‌عنوان مدیران عرصه فرهنگ و هنر بر مسند تکیه زده‌اند.

سازمان صدا و سیما، جشنواره به نادر طالب‌زاده که از سال‌های آغازین عمار آن را حمایت و همراهی کرده بود سپرده شد، اما با فوت طالب‌زاده جشنواره به یکباره از وزنه‌هایی که تا پیش از این، آن را پشتیبانی می‌کردند خالی شد. حالا مؤسسی جشنواره سعی می‌کردند در نبود خود، مدیران شایسته‌ای را برای اداره این حرکت فرهنگی منصوب کنند اما باید دید امسال که جشنواره با غیبت بزرگ‌ترهای همیشگی خود برگزار می‌شود آیا توانسته است مسیر رو به رشد خود را در پیش داشته باشد؟

با تغییر مدیریت‌ها و کوچ کردن وحید جلیلی و دوستانش به

هر چند خیلی‌ها دوست نداشتند عمار سری در میان سرها بلند کند اما حالا نه تنها عمار جایگاه خود را پیدا کرده است بلکه تعداد قابل توجهی از همان فیلمسازان جوانی که در دوره‌های اول، جزو رویش‌های این عرصه محسوب می‌شدند بعد از یک دهه، الان یا پا به عرصه تولیدات حرفه‌ای و بلند گذاشته و در طول سال فیلم‌هایشان روی پرده سینما دیده می‌شود یا به‌عنوان مدیران عرصه فرهنگ و هنر بر مسند تکیه زده‌اند